

---

همزاد

---

این ترجمه را به دوست عزیزم آقای سید علی حسینی و همسرش

حیدررضا جاویدان

شعری پترزبورگی

## فیودور داستایفسکی

مترجم

سروش حبیبی

تألیف

روایت‌های داستایفسکی	۱۰۰۰
سفرنامه	۱۰۰
+	
روایت‌های داستایفسکی	۱۰۰۰
سفرنامه	۱۰۰
+	
روایت‌های داستایفسکی	۱۰۰۰
سفرنامه	۱۰۰
+	
روایت‌های داستایفسکی	۱۰۰۰
سفرنامه	۱۰۰
+	
روایت‌های داستایفسکی	۱۰۰۰
سفرنامه	۱۰۰

تعداد کلمات: ۷۰۰۰۰

تعداد صفحات: ۲۰۰



نقشروانه

تهران ۱۳۹۸  
www.naqshroon.com

چیزی به ساعت هشت صبح نمانده بود که مشاور رسمی<sup>۱</sup>، یاکوف پتروویچ گالیادکین<sup>۲</sup>، از خوابی طولانی بیدار شد. دهن دره‌ای کرد و اندکی خود را کش و واکش داد و سرانجام چشم‌هایش را کاملاً باز کرد. اما یکی دو دقیقه‌ای همچنان بی حرکت در بستر ماند. انگاری هنوز به یقین نمی دانست که بیدار شده است یا همچنان در خواب است، و آنچه اکنون در اطرافش می گذرد واقعیت است یا دنباله‌ی خواب‌های پریشان‌ش. اما به زودی حواس آقای گالیادکین تأثرات عادی و همه‌روزی خود را روشن تر و با وضوحی بیش تر درمی یافتند. دیوارهای گرد و خاک گرفته و دودزده‌ی اتاق کوچکش، با آن رنگ سبز چرک‌نیشان، و کمد چوب آکاژویش و صندلی‌ها، که رنگشان با رنگ کمد جور بود، و میز، که سرخ‌رنگ شده بود، و کاناپه‌ی ترکی، با آن روکش مشمع سرخ‌رنگ و گل‌های سبز ملوسش، و سرانجام لباس‌هایش که شب پیش با شتاب کنده و قلنبه روی کاناپه انداخته بود، همه انگاری با نگاهی آشنا تماشایش می کردند. از این گذشته، روز آبری پاییزی، چرک و عبوس، از پشت پنجره‌ی کدرش نگاهی چنان غیظ‌آلود، همراه با شکلکی چنان تُوُرش، به او انداخت، که آقای گالیادکین دیگر به هیچ روی نمی توانست شک داشته باشد که نه در آسمان هفتم و دنیای افسانه‌گون خواب، بلکه در پترزبورگ، پایتخت روسیه، است، در خانه‌ی خود، در طبقه‌ی چهارم عمارت

۱. درجه‌ی نهم از سلسله‌مراتب اداری است که پتر کبیر وضع کرد. معمولاً کارمندان میان پایه این درجه را داشته‌اند.

2. Yakov Petrovich Golyadkin